

توهم به پیروزی یا خود فریبی؟

در حاشیه مذاکره فعالین زنان با
مجلس اسلامی

آذر ماجدی



بدنبال حضور بیش از ۱۰۰ نفر از زنان سرشناس، حقوقدان، روزنامه نگار، قهرمان ورزشی و هنرمند در مجلس اسلامی روز یکشنبه ۱۰ شهریور، لایحه اسلامی-ارتجاعی خانواده از دستور صحن علنی مجلس موقتاً خارج شد. این خبر را گروه های حقوق زن و برخی سازمان های سیاسی اپوزیسیون پیروزی بزرگ برای جنبش زنان و عقب نشینی مهم برای رژیم خطاب کردند. برخی آنچنان به ذوق آمده بودند که تیتر زدند: "مجلس در تسخیر نمایندگانی از فعالان زن" یا این واقعه را "موفقیت دنباله در صفحه بعد

تجربه های زنانه ستم، سرکوب، تجاوز

صفحه ۵

بیانیه دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری بیانیه حقوق زنان

صفحه ۶

خاوران را نگذاشتند گلباران کنند

صفحه ۴

بیانیه در محکوم کردن قتل های ناموسی

صفحه ۷

انداختن مجرمین تنها اقدام عاجل برای به بند کشیدن جانیانی است که قربانیان خود را از میان ضعیفترین اقشار جامعه انتخاب میکنند. راه جلوگیری از قتل عام بیشتر زنان و دختران و کودکان بدست بستگان در ایران تنها از طریق مبارزه برای رهائی جنسی زنان امکانپذیر است. اساس ناموس پرستی بر کنترل سکسوالیته و جنسیت زن میباشد. زنان بعنوان حافظان عفت، پاکدامنی، شرف و ناموس بستگان کنترل میشوند و بسیاری از قوانین مذهبی و ملی در مورد خانواده و زنان بر همین اساس وضع میگردد. قدرتمندان برای تسلط هرچه بیشتر بر زنان و مردان با اشاعه فرهنگ مردسالارانه و مذهبی فرودستی زنان را به نهادی اساسی تبدیل می نمایند. رهائی و آزادی جنسی یک پیش شرط اساسی برای مقابله با ناموس پرستی و کشتار زنان است. راه دومی وجود ندارد.

پروین کابلی

آزادی جنسی، پیش شرط مقابله با ناموس پرستی

سخن سر دبیر ۵۰



قتلهای ناموسی در ایران و بویژه در کردستان توجه بسیاری را به خود جالب نموده است. کشته شدن دو زن جوان بدست اعضای خانواده خود و اکنشهای اعتراضی زیادی را در میان مردم کردستان و به ویژه در مریوان به همراه آورده است.

اعتراض به حق مردم و تلاش فعالین حقوق زنان برای جلوگیری و در دستور قرار دادن اقدامات عاجل برای جلوگیری از کشتار زنان تاکنون به نتیجه نرسیده است و مسئولین امر در ایران تاکنون در این مورد جز دستگیری قاتلین برای حل این مسئله (چیزی که مردم معترض خواهان آنند) راه حلی نیافته اند.

طبعاً قابل قبول و درست است که مردم هر کشوری در هر منطقه ای از جهان برای مشکلات و معضلات زندگی خود در وحله اول روبه دولتمردانی میکنند که قرار است امنیت و سلامت آنها را تامین کنند.

مردم کردستان در مبارزه با معضلات اجتماعی خود بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی راه های متفاوتی را پیموده اند و مبارزه بر علیه کلیت جمهوری اسلامی و فرهنگ عقب مانده و محتجر اسلامی ویژگیهای خاص خود را داشته و دارد. اعتراض مردم مریوان و یا شهرهای دیگر کردستان بر بستر چنین مبارزه ای و با ضدیت علیه جمهوری اسلامی ابراز وجود میکند و خود را نشان میدهد.

وجود جریانات انقلابی و رادیکال و یک جنبش برابری طلب در کردستان که بطور واقعی مدتها جنبشی توده ای و فراگیر بود مدتها جمهوری اسلامی را دچار مشکلات بسیار جدی نموده بود.

مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی در کردستان دوره ها و اشکال مختلفی را بخود گرفته است. مبارزه برای حقوق کودکان و مبارزه برای برابری زنان از جمله مبارزات بسیار جدی است که در سالهای اخیر توانسته است جایگاهی ویژه نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران به این جنبش بدهد.

موقعیت زنان در کردستان همی پیچیدگی های فرودستی زنان را در خود دارد. عقب ماندگی اقتصادی و ادامه افکار عقب مانده و متحجر در درجه اول ادامه بردگی زنان را تداوم میبخشد. اما آنچه که قابل توجه است این است که در کردستان قتل های ناموسی و ناموس پرستی الزاماً بیشتر و گسترده تر از مناطق دیگر ایران نیست. اما اعتراض به موقعیت فرودست زنان و زن کشی اکنون به یک اعتراض اجتماعی تبدیل شده است و میتواند به یک جنبش رادیکال و مترقی تبدیل شود و افکار عمومی را بطور واقعی گرد این معضل اجتماعی بسیج نماید. اجتماعی نمودن مبارزه علیه ناموس پرستی فقط با آزادی بی قید و شرط زنان در زندگی شخصی و خصوصی امکان پذیر است. مجازات قاتلین و به زندان

ستم بر زن موقوف!

توهم به پیروزی یا خود فریبی؟

تاریخی فعالان زن" نامیدند.

در عالم واقع چه اتفاق افتاد؟

پس از بالا گرفتن اعتراض علیه لایحه ارتجاعی تنظیم شده توسط دولت، زمانی که اعلام شد لایحه در دستور کار مجلس قرار میگیرد، گروه های مختلف زنان تصمیم به حضور در مجلس و مذاکره با اصطلاح نمایندگان گرفتند. این فعالین در دسته های چند نفری با نمایندگان مختلف مذاکره کردند، برخی از نمایندگان حاضر به پذیرش آنها نشدند، از جمله نمایندگان زن. در گزارشی میخوانیم که این زنان بمدت طولانی، بدون هیچ توضیحی، در سالن مجلس معطل گذاشته شدند و بالاخره پس از اعتراض و تهدید به ترک مجلس، برخی از این خانم ها توسط تجری معاون کمیسیون قضایی مجلس پذیرفته شدند. خانم سیمین بهبهانی در این بازه چنین میگوید: "هرچند که برای خود من برخوردهای این نمایندگان به ویژه در ابتدای ورود و معطلی های بی دلیل برخورنده بود اما عذرخواهی ها و توضیحات مکرر آقایان تا حدودی خشم ما را کنترل کرد."

فعالین حقوق زن با استدلال های مختلف، از جمله: "این لایحه با فتوای شرعی تناقض دارد." (خانم عبادی) از این آقایان استمداد کردند تا در این لایحه تجدید نظر کنند. حقوقدان های شرکت کننده قول دادند که حاضرند به نمایندگان در اصلاح لایحه، بویژه سه ماده مورد جدل، مواد مربوط به تعدد زوجات، صیغه و مهریه

کمک کنند. بالاخره، لاریجانی، رئیس مجلس اعلام کرد: "با توجه به این که جمعی از شهروندان به ویژه زنان و نیز برخی علما نسبت به مواردی در این لایحه ابراز نگرانی کرده و نقدهایی را مطرح کرده اند" این لایحه برای بررسی دوباره به کمیسیون قضایی بازگردانده میشود. روز بعد هم در واکنش به جنجال "پیروزی" توسط سایت های مختلف، اعلام شد که این لایحه

عالم واقعیت مبارزه سیاسی، این را چه باید خطاب کرد؟ توهم یا خود فریبی؟ شاید هم عوامفریبی؟

علیرغم تمام جنجالی که برخی فعالین حقوق زن و رسانه های همیشه پشتیبان دو خردادی ها به راه انداخته اند، این برای زنان و جنبش آزادیخواهی زنان حتی یک پیروزی ساده هم نبود، چه رسد به پیروزی تاریخی. این یک حرکت سازشکارانه است که در عمل نه به نفع زنان،



دوباره به صحن علنی مجلس باز میگردد.

این اتفاق، پیروزی بزرگ، موفقیت تاریخی و ترس رژیم ارزیابی شده است. متأسفانه باید گفت که فعالین زن مجلس را به

بلکه به زیان آنها تمام خواهد شد. این فعالین ملی - اسلامی جنبش حقوق زن دارند با کرنش در مقابل رژیم اسلامی توقعات و انتظارات زنان را پایین میاورند. این حرکت و

افق آزادیخواهی و برابری طلبی افق حاکم بر جنبش آزادیخواهی زنان است.

هر چه فعالین سرشناس کرنش و سازش بیشتری نشان دهند، جنبش مقاومت توده ای زنان بیشتر از آنها فاصله خواهند گرفت.

جشن پس از آن دارد به زنان میگوید، "سهام ما اینست!" رژیم اسلامی زنان را به مرگ گرفته است و فعالین حقوق زن به تب راضی شده اند. جالب اینجاست که تئوریسین های ملی - اسلامی به این واقعیت و نقدی که به این حرکت خواهد

تسخیر درنیاورند، بلکه تحقیر هم شدند. از طریق استمداد و درخواست و قول دادن به اینکه خیال شلوغ کردن و جنجال ندارند، و قسم به اسلام و قران، قول و وعده برخی نمایندگان جناح دیگر را برای رای منفی به لایحه گرفته اند. در

شد، واقف اند و پیشاپیش به استقبال آن رفته اند. نیما نامداری در سایت میدان زنان پس از تشویق فعالین زن و جمعبندی این حرکت بعنوان یک حرکت مهم و تاریخی مینویسد: "خلاصه کلام می توان به هنگام ضرورت از مطالبات حداقلی دفاع کرد بی آنکه تقلیل گرا بود."

اگر این حرکت تقلیل گرایی نیست، پس چه نوع حرکتی را میتوان و باید تقلیل گرایانه خواند؟ فعالین زن پس از تحمل سرکوب و تحقیر مداوم رژیم، با هم به مجلس رفته اند، در سالن انتظار تحقیر شده اند، عملاً این جاهلین و مرتجعین از گور برخاسته را بعنوان نمایندگان مردم خطاب کرده اند، درخواست و التماس کرده اند، از امام، امام تر شده اند و ادعا کرده اند که اسلام حسینی و قران و فتاوی شرعی با حقوق زن تناقض ندارد، در پاسخ مجلس اسلامی لایحه را موقتاً به کمیسیون پس فرستاده است. آنگاه جنجال براه انداخته اند و این اقدام را بعنوان پیروزی بزرگ و موفقیت تاریخی و تسخیر مجلس به خورد مردم داده اند. این حرکت را چه میتوان نامید بجز کرنش و سازشکاری که بنا به تعریف و خصلت حرکت، به تقلیل خواست ها و توقعات زنان و تضعیف روحیه مقاومت و اعتراض توده ای منجر خواهد شد؟

مساله اینجاست که از یک سو برخی از فعالین حقوق زن در مقابل سرکوب های مداوم رژیم سر فرو آورده اند. و از سوی دیگر جنبش ملی - اسلامی و دو خرداد سابق دارند برای انتخابات مجلس آماده میشوند. این لایحه و واکنش فعالین ملی - اسلامی به آن را باید در این متن بررسی کرد. دگر بار روش های مبارزه، مقاومت یا

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

توهم به پیروزی یا خود فریبی؟

سازش؟ اعتراض یا مذاکره؟ بر روی میز استراتژیست ها و تئوریسین های ملی - اسلامی آمده است و اینها دارند این اتفاق را دستمایه ترویج تئوری های پاخورده و شکست خورده دو خردادی قرار میدهند:

"از آنجا که اغلب چهره های شاخص گروههای مختلف زنان در برنامه دیدار با نمایندگان حاضر بودند می توان دریافت که جنبش زنان به آن بلوغ تئوریک رسیده که از ایندولوژیها عبور کرده و بر اساس مقتضای هر موقعیت واکنش نشان دهد. زنان نشان دادند که مذاکره را بخشی از مبارزه می دانند و برای این مذاکره حاضرند پیشقدم باشند. سالهاست منتقدین حاکمیت تصور می کنند که گفت و گو به طرف مقابل مشروعیت می دهد. این تصور برگرفته از ایندولوژیهایی است که وضعیتها و ابزارها را صرفا سیاه یا صرفا سفید

می نمایند. اما زنان در فرایند تکامل جنبش دریافته اند گفت و گو با قدرت به طور مطلق نه خوب است نه بد. مهم آن است که این گفت و گو در فرایندی منطقی و حساب شده و با اتکا به واقعیتها ساختار قدرت و بنه اجتماعی جنبش و برای اهدافی قابل دفاع انجام شود... تجربه دیدار با نمایندگان نشان داد که هنوز هم می توان در فضاهای عمومی کنش اعتراضی داشت بدون آنکه هزینه هایی فراتر از طاقت جنبش پرداخت. مهم فرایند برنامه ریزی و سازماندهی حساب شده و نیز تلاش برای اقناع حداکثری فعالان جنبش است... (نیما نامداری در سایت میدان زنان)

به زبان ساده این تحلیل دارد رهنمود میدهد که باید کلاه را قاضی کرد و سازش را اعتراض "سازمانیافته و منطقی" جازد. فعالین ملی - اسلامی حقوق زن، دانسته یا ندانسته، خواسته یا نخواستند دارند جنبش حقوق زن را وجه مصالحه قدرت گیری ملی -

اسلامی ها و دو خردادی هایی که یک بار با دست خود گور خود را کردند، قرار میدهند. خرد روزمره میگوید: "آزموده را آزمودن خطاست." اما این فعالین باز دارند به جناح ملایم تر رژیم دخیل می بندند و از حالا دارند برای انتخابات آتی خود را آماده میکنند. تئوری اش را هم ابداع کرده اند، توجه کنید: "مجموعه این فعل و انفعالات نشان داد چرا بنیادگرایی اسلامی (و نه اسلام سنتی) خطرناکترین تهدید موجود علیه زنان است." اکنون حتی میان اسلام سنتی و فشری و "بنیادگرایی اسلامی" تفاوت قائل شده اند تا این بار حتی ناطق نوری را هم به خیل معتدلین راه دهند. (به گزارش سایت ها از ملاقات با مجلسیون، گویی ایشان با حرکت سر مخالفت خود را با لایحه اعلام کرده است!)

ما فعالین رادیکال جنبش آزادی زن، مانند همیشه، هر گونه کرنش و سازش را افشاء خواهیم کرد. و اجازه نمیدهیم تا خواست ها، توقعات و انتظارات زنان، بویژه نسل جوان را تقلیل دهند. افق آزادیخواهی و برابری طلبی افق حاکم بر جنبش آزادیخواهی

زنان است. از این رو است که علیرغم کرنش فعالین، زنان هر روزه در کوی و خیابان با نیروهای سرکوب اسلامی در جنگ و گریز اند. هر چه فعالین سرشناس کرنش و سازش بیشتری نشان دهند، جنبش مقاومت توده ای زنان بیشتر از آنها فاصله خواهند گرفت. ما با تمام قوا برای افشای مقاصد سازشکارانه جنبش ملی - اسلامی خواهیم کوشید. جنبش مقاومت زنان را نمیتوان وجه مسامحه پیروزی دو خرداد قرار داد. خواست این جنبش آزادی بی قید و شرط و برابری کامل و واقعی زن و مرد است. این جنبش خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان است. لذا چانه زدن بر سر اجازه همسر اول برای گرفتن زن دوم را تحقیر خود می داند. لغو تعدد زوجات، ممنوعیت صیغه و لغو مهریه و شیریه که رابطه انسانی دو انسان را به یک معامله تبدیل می کند را خواهان است. این جنبش آگاه است که اسلام با حقوق زن سر آشستی ندارد و سکولاریسم شرط لازم دستیابی به آزادی و برابری است.

آذر ماجدی

برای جمع آوری آرشیو شخصیم را یاری نمائید

دوستان!

دو سال پیش تصمیم گرفتم زندگی شخصیم را وارد ریل تازه ای نمایم. این تغییرات به قیمت بسیار بالائی برای من تمام شد. متأسفانه آرشیو شخصیم که شامل دست نوشته ها و از جمله مقالات منتشر نشده به زبان فارسی و سوئدی، بریده های روزنامه ها و مصاحبه با نشریات مختلف

نوعی شرکت و فعالیت داشته ام، تقاضا دارم چنانچه در آرشیو شخصی شان به هر نوعی نوشته، نوار و یا عکسی از من دارند با من تماس بگیرند. هرگونه هزینه ای را در این رابطه شخصا تقبل می نمایم و اصل هر عکس و نوشته ای را با حفظ امانتداری برمی گردانم. برای تماس با من میتوانید با شماره تلفن 0046707744020 و یا آدرس ای مایل Parvinkaboli@yahoo.se تماس بگیرید.

از آنان به عنوان منبع در رابطه با شرکت در سمینارهای مختلف استفاده می کردم، ناپدید گردیده است.

در ۶ ماه گذشته تلاش فراوانی برای بازگرداندن و یافتن آنها نمودم که متأسفانه این تلاش ها تاکنون موفق نبوده است.

بدینوسیله از همه کسانی که در طول مدت فعالیتیم چه در ایران و چه در کردستان، در حزب کمونیست ایران (کومله)، در حزب کمونیست کارگری ایران، در سوئد و نهادهای مختلفی که من در آن ها به

در سوئد، نوارهای رادیویی و تلویزیونی که در برنامه های مختلف عمدتاً از تلویزیونهای اسکاندیناوی برایم ارسال شده بود، دیسکت حاوی کرونولوژی جنبش زنان، بعد از انقلاب ایران که تقریباً آماده چاپ بود، بخشی از زندگینامه ام که به زبان سوئدی تهیه شده بود، اسناد کنفرانس ها و جلسات اعتراضی که در رابطه با جنبش زنان تهیه نموده بودم، عکسهای شخصی و عکسهائی که در کنفرانس های مختلف تهیه کرده بودم و همچنین یادداشت ها و دستنوشته هایی که

رهائی زن رهائی جامعه است!



خاوران را نگذاشتند گلباران کنند

منیره برادران

گزارشی از برگزاری بیستمین
سالگرد کشتار سال ۶۷، در
گورستان خاوران

امسال در بیستمین سالگرد کشتار سال ۶۷، خانواده‌ها قرارشان را برای روز آدینه، ۸ شهریور گذاشته بودند، طبق معمول هر سال در خاوران، واقع در ۱۴ کیلومتری میدان خراسان. این گورستان بی نام و نشان در جنب گورستان ارمانه و بهائی‌ها، از ۲۷ سال پیش که اولین دسته از تیرباران‌شدگان چپ را در آنجا دفن کردند، میعادگاه خانواده‌ها شده است.

اینجا مرده‌ها بی‌نام و نشان هستند. خاک خالی از سنگ مزار یا هرگونه علامتی است. گاه سنگچینی، روبان و گلی خاک را آذین می‌کنند. اما این علامت‌ها گذرا هستند در بیم یورش مامورین. حتی پیش‌ترها برای از بین بردن این علامت‌ها پای بولدوزر هم به خاوران رسید.

هر سال در یکی از آدینه‌های دهه اول شهریور، که بطور سمبلیک یادروز جان باختگان

سال ۶۷ نام گذاری شده، خانواده‌ها با دسته‌های گل در این خاک خشک و خالی که با دیوارهای سیمانی از پیرامونش جدا شده، گرد هم می‌آیند تا خشم و درد خود را با یکدیگر قسمت کنند و برای هم از عزیزانشان سخن بگویند.

صبح امروز ۸ شهریور مامورین جاده منتهی به خاوران را مسدود کردند و از ورود خانواده‌ها و کسانی که برای همدردی با آنها قصد حضور در آنجا را داشتند، جلو گیری به عمل آوردند. بار اول نیست. در سال‌های گذشته هم پیش آمده بود که به این گورستان حمله کنند، کسانی را بازداشت کنند، دوربین‌ها را ضبط کنند. خوب می‌دانند که عکس و فیلم سند است.

از گذاشتن سنگ قبر جلوگیری به عمل می‌آوردند تا نشان جنایت را پاک کنند؛ برگزاری مراسم یادمان در خانه‌ها و گورستان‌های کشور را مانع می‌شوند تا یادی نماند بر خاطره‌ها. دستور فراموشی مدت‌ها است که صادر شده است. فراموش نمی‌شود، درد و سوزش زخمی که باز است. در هیچ جای دنیا هم چنین نشده است. گردهم آیی‌های خانواده‌های بی‌پناه ما تعطیل‌بردار نبود. گاه حتی ناچار شدند مراسم ختم و سالگرد را در زیرزمین‌ها برگزار کنند. جمع شدند تا خاوران را به ما نشان دهند. کتک خوردند و فحش شنیدند تا ساکنین بی‌صدای مزار خاوران فراموش نشوند. تا فراموش نکنیم که در آنجا و در بسیاری

از گورهای بهشت زهرا و گورستان‌های شهرهای دیگر کسانی آر می‌دهند که در دهه ۶۰ و در سال ۶۷ به جرم اعتقاداتشان در پشت درهای بسته، بدون کوچک‌ترین حق دفاع به قتل رسیدند.

این خانواده‌ها نخواستند آمار هولناک اعدامی‌ها را به عدد و رقم تنزل دهند. آن اعدام شده، ضمن این که یکی بود از هزاران، یک فرد بود: فرزند، همسر، خواهر یا برادر بود. زمانی حیات داشت چه بسا حیاتی پرشور. عاشق زندگی و دیگر انسان‌ها بود و آزادی و عدالت را حرمت می‌گذاشت. زمانی جان او را گرفتند. حال می‌خواهند یاد و اثرش را از بین ببرند.

در کشور ما فرد را دو بار اعدام می‌کنند. اما یاد آن عزیز رفته می‌ماند، در خاطره کسانی که روزی سهمی از زندگی را با او شریک بودند. در کلاس درس، در محیط کار، در همسایگی، در رفاقت سیاسی و در دیگر لحظه‌های زندگی گذشته. برای خانواده و به ویژه مادر، اما، این یاد و خاطره تمامی لحظه‌های زندگی است و هیچ دستگاه قدرتی نمی‌تواند آن را از وی بگیرد.

«فراموش نکنیم» شعاری بود که در سرزمین‌های دیگر هم مادران را به خیابان‌ها کشاند. در آرژانتین مادران «مفقود شدگان» هر هفته در میدان مایو در حالی که عکس فرزندانشان را بر سینه نصب کرده بودند، تجمع می‌کردند و خواستار روشن شدن سرنوشت

فرزندانشان بودند. اگر در این کشورها تا حدودی خواست و آرزوی مادران، که روشن شدن حقیقت بود، تحقق یافته است، در ایران هنوز راه درازی پیش پای مادران ما قرار دارد. به جمع آن‌ها نسل دیگری هم اضافه شده است. جوانانی هم، که مادر یا پدرشان را از آن‌ها گرفته‌اند، به این کارزار وارد شده‌اند.

می‌شود حقیقت را برای همیشه پوشیده نگه داشت؟ این گزارش به علت کمبود جا خلاصه شده است برای خواندن گزارش کامل به وبلاگ منیره برادران مراجعه کنید.

http://monireh-baradaran.blogspot.com/2008/08/blog-post_29.html

(گرچه نویسنده مایل نیست آمار هولناک اعدامی‌ها را به عدد و رقم تنزل دهد. حق هم دارد. اما تاکید بر اینکه تنها در تابستان ۶۷ جنایتکاران حکومت اسلامی به سرکردگی خمینی ۳۰,۰۰۰ (سی هزار) نفر از جوانان آزادیخواه را یکجا به قتل رساندند تنزل ارزش جان این جان باختگان نیست. کما اینکه تاکید بر اینکه حکومت اسلامی تنها در ده سال اول حکومتش بیش از ۱۰۰,۰۰۰ (صد هزار) نفر از زنان و مردان ایران را نه در جنگ بلکه از طریق جوخه‌های اعدام به قتل رسانید، ارزش انسانی کار و فعالیت این جان باختگان راه آزادی را کاهش نمی‌دهد.)



دانش‌آموزان روبرو شده بود و روزانه تعداد زیادی از آنان به ویژه در تعطیلات تابستانی با وجود مانع و روسری از چنین امکانی استفاده می‌کردند. نیروهای حراست پارک از این پس جلوی زنان و دختران

اعلام کرد. این سازمان با نصب پلاکاردهایی در مسیر پیست دوچرخه‌سواری علت ممنوعیت را حفظ شئون اسلامی عنوان کرده است.

دوچرخه‌سواری در این پارک با استقبال زیاد دانشجویان و

ممنوعیت دوچرخه سواری زنان در پارک خانواده

سازمان پارک‌های شهرکرج ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان در پارک خانواده را

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

تجربه‌های زنانه ستونی برای تجربه‌های زنانه است. برای این ستون بنویسید. از تجربیات خودتان و از زندگی خودتان. از آنچه که به خاطر زن بودنتان بر شما می‌گذرد. از آنچه که روزانه به نام زندگی شخصی و اجتماعی برایتان اتفاق می‌افتد. از همه چیز برای این ستون بنویسید و داستان زندگیتان را با دیگران تقسیم کنید. سردبیر نشریه پروین کابلی

تجربه‌های زنانه ستم، سرکوب، تجاوز

آزاده نام مستعار یکی از دوستان سازمان آزادی زن است که هم اکنون در ترکیه بسر میبرد. با تشکر از س-کیوان که این مصاحبه را برایمان ارسال داشته است.

کیوان: لطفا خودتان را معرفی کنید.

آزاده: اجازه بدهید به دلایل امنیتی و روانی برای خاطر فرزندانم از اسم مستعار استفاده کنم و خودم را با نام آزاده معرفی کنم و از سازمان آزادی زن تشکر کنم که در ارتباط با حقوق زن تلاشهای بسیار موفقیت آمیزی داشته و اولین سازمانی که در ایران توسط دوستم با آن آشنا شدم همین سازمان بود.

کیوان: خوب آزاده در مورد خودت توضیح بده.

آزاده: من در سال ۱۳۵۲ در بندر ماهشهر متولد شدم. و در شهر سر بندر دیپلم را گرفتم و در سال ۱۳۷۱ با یک کارگر شرکت نفت ازدواج کردم و در شهر شاهین شهر اصفهان در خانه سازمانی شرکت نفت زندگی مشترک را شروع کردیم. نتیجه زندگی ما یک پسر شانزده ساله و یک دختر ده ساله است.

کیوان: چرا اسم آزاده را انتخاب کردی؟

آزاده: خوب در تمام زندگیم در جستجوی آزادی بودم. در شرایط سیاسی ایران هرگز نتوانستم آزادی را حتی یک روز احساس کنم. بعد از خارج شدن از ایران احساس کردم که دارم آزاد میشوم بخصوص در عرض پنج سال شکنجه که با

آن مواجه بودم این اسم برایم یک مفهوم شیرینی را القاء میکند.

کیوان: چرا همسرت همراهمان نیست؟

آزاده: اجازه دهید کمی در مورد زندگی پر از رنج مشترک خودم توضیح دهم. با توجه به اینکه همسرم یک کارگر متخصص شرکت نفت بود مداوم برای مأموریت کاری به شهرهایی که تاسیسات نفتی داشتند فرستاده میشد. در نتیجه سرکوب کارگران توسط رژیم اسلامی که برای احقاق حقوق خود مبارزه میکردند همسرم همیشه در گیر مسائل کارگری بود. بارها بازداشت و شکنجه شده بود. تا اینکه در سال ۱۳۷۸ در جریان سرکوب حرکت اعتراضی کارگران تعداد زیادی از رفقای همسرم را بازداشت کردند. ولی همسرم توانست فرار کند و مدتی مخفی شد. در دوران مخفی شدن وی، من بارها به بازجویی کشیده شده و تهدید و تحقیر شدم. او امکان ماندن نداشت. مجبور شد از کشور خارج شود. این جدائی که نتیجه جنایات رژیم بود به جدای من و همسرم و محرومیت فرزندانم از دیدار پدر منجر شد. تا سه سال با هر بدبختی شده بود زندگی را با کمی پس انداز که داشتم ادامه دادم. بعد از سه سال ارتباط با همسرم هم قطع شد. مأمورین امنیتی در برخورد با من همیشه از من با تهدید درخواست رابطه جنسی میکردند. ولی به خاطر فرزندانم مقاومت میکردم ولی مداوم مورد تهدید و آزار قرار میگرفتم.

کیوان: بعد از قطع ارتباط با همسرت چگونه توانستی زندگی را تامین کنی؟

هایت را ببینی. هرچه گریه و التماس کردم فایده نداشت. از ترس مجبور شدم قبول کنم. بعد از آنروز مداوم مرا به یک خانه خلوتی میبرد و به من تجاوز میکرد. این رابطه ماهها طول کشید تا اینکه روزی مرا که مرا به آن خانه برد در آنجا دو نفر دیگر هم بودند. اعتراض کردم حتی خواستم خودکشی کنم. دستهایم را بستند و هر سه به من تجاوز کردند! آن حیوان پست مرا با وضعیت نیمه جان سر کوچه منزلمان پیاده کرد. وقتی به خانه رسیدم فقط گریه می کردم! دیگر نمی توانستم تحمل کنم از همه چیز نفرت داشتم از اینکه من چی هستم و چرا باید اینگونه تحت شکنجه قرار بگیرم. چرا باید تحمل کنم؟ این زندگی نبود این خود مرگ بود. چند روزی با خودم کلنجار رفتم بارها تصمیم گرفتم خود کشی کنم. ولی بچه هایم میماندند. نمیتوانستیم آنها را در این جامعه وحشی تنها بگذارم. اما این شرایط هم بسیار غیر انسانی بود.

حالا دیگر به خود من اکتفا نمی کرد و تصمیم داشت آنقدر من را شکنجه دهد تا دخترم را در اختیارش بگذارد.

او از انجام تکلیف شرعی خود حرف می زد. از سن بلوغ شرعی کودک من که هنوز باید عروسک بازی کند!

دیگر ملاقاتهایش تجاوز فیزیکی بر بدن بی احساس من نبود. او فرزند دلبندم را هم می خواست! باید کاری می کردم.

کیوان: چرا همان موقع که مورد تجاوز قرار گرفتی اقدام به فرار نکردی؟

آزاده: امکانات فرار را نداشتم و کسی را

نداشتم که دنباله در صفحه ۸

آزاده: من در سال ۱۳۷۴ دیپلم آرایشگری گرفته بودم. مجبور شدم آرایشگری کنم. پس از مراجعات مکرر به من اجازه باز کردن محل کار را ندادند. مجبور بودم در آرایشگاهی به عنوان کارگر کار کنم. با یکی از کارگران زن آشنا شدم و رابطه دوستی ایجاد کردم. تا اینکه بر اثر بیماری که چند روزی سر کار نرفته بودم همان دوستم با یک مرد به عیادت من آمدند. فکر کردم ازدواج کرده چون او هم همسرش را در جنگ ایران و عراق از دست داده بود. او گفت که ازدواج نکرده اند ولی با هم رابطه دارند و آن مرد زندگیشان را تامین میکند. بعد از آنروز تلفن خانه ما مداوم زنگ میخورد و مردی پشت تلفن از من میخواست با او رابطه داشته باشم. روزها تلفن را قطع میکردم تا اینکه روزی در مسیر محل کارم گشت امر به معروف جلویم را گرفت و به بهانه اینکه موی سرم بیرون است مرا با زور سوار ماشین کردند و به پایگاه امر به معروف بردند. نیم ساعت در اتاقی تنها نشستم تا اینکه از دیدن همان مرد که با دوستم به عیادت آمده بود هم متعجب شدم، هم خوشحال و هم مشوش. فکر کردم این آشنا آلان به آزادی من کمک میکند. در برخورد اول گفت، چرا به تلفنهای او جواب نمیدهی؟ فهمیدم که آوردنم به اینجا نقشه همین پست فطرت است. او مرا تهدید کرد اگر آلان به من قول ندهی که با من باشی با یک پرونده کت و کلفت و به اتهام ارتباط با شوهر ضد انقلابت به دادگاه میفرستم و نمی گذارم دیگر روی بچه

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

بیانیه دفتر سیاسی حزب
اتحاد کمونیسم کارگری

بیانیه حقوق زنان

مردسالاری و زن ستیزی یکی از وجوه تاریک و شرم آور جامعه بشری است. رهایی زن و برابری زن و مرد یک آرمان تاریخی و قدیمی بشریت است. تاریخ شاهد جنبش های وسیع برای آزادی زن بوده است.

تبعیض علیه زنان خاص ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. ولی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ستمکشی زن ابعادی هولناک بخود گرفته است. جمهوری اسلامی از بدو حاکمیتش با شلاق و ترور و شکنجه به حقوق زنان یورش برده است. همواره تلاش کرده است تا موجودیت زنان را زیر حجابی سیاه بپوشاند؛ تلاش شان برای دستیابی به استقلال اقتصادی را سد کند؛ موجودیت جنسی شان را با سنگسار پاسخ گوید؛ و با توسل به خشن ترین شیوه های سرکوب موقعیت زن را در جامعه و خانواده به دوران قرون وسطی بازگرداند. حاکمیت آپارتاید جنسی و تحمیل حجاب اسلامی برجسته ترین نمودهای بردگی جنسی جامعه امروز ایران است.

از همان ابتدای حیات جمهوری اسلامی یک مبارزه بلاانقطاع و رادیکال علیه این بردگی جنسی و زن ستیزی عریان تولد یافته است. مبارزه علیه ستمکشی زن بمثابة یک رکن مهم مبارزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه برسمیت شناخته شده است. هم اکنون

یک جنبش وسیع، پر قدرت و بالنده برای دفاع از حقوق زنان در جریان است. طی دو دهه گذشته این جنبش از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده است و اکنون با صدایی رسا خواست آزادی زن را در مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری ظنین انداز کرده است. جنبش آزادی زن جنبشی رادیکال و ضد اسلامی است. جنبش برای آزادی زن در ایران به یمن مبارزات خستگی ناپذیر، دخالت گسترده و نفوذ و تاثیر کمونیسم کارگری هر روز رادیکالتر و منسجم تر میشود. کمونیسم کارگری تلاش های جریانات راست و ملی-اسلامی در به سازش کشیدن جنبش آزادی زن و در کند کردن رادیکالیسم این جنبش را افشاء و طرد نموده است. کمونیسم کارگری در پیوند عمیق خود با جنبش آزادی زن خواستها و آمال آن را گسترش داده و تعمیق کرده است. کمونیسم کارگری به سخنگو و رهبر رادیکال این جنبش بدل شده و پرچم آزادی زن را بلند کرده است. جنبش آزادی زن امروز از ارکان مهم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

رهایی زن و برابری کامل زن و مرد در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی، لغو مناسبات سرمایه دارانه و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. امری که حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آن مبارزه میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

۱. اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.
۲. تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.
۳. لغو کامل آپارتاید جنسی، ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد (زن و مرد) از محیط اجتماعی و امکان معاشرت.
۴. حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک و جدایی.
۵. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت داریی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال

خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.
۶. برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی و بلوغ جنسی رسیده اند.
۷. برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد با پرداخت حقوق که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

بیانیه دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

بیانیه ای در محکوم کردن
قتل های ناموسی

قتل های ناموسی تراژدی دردناک حاکم بر زندگی نیمی از اجتماع انسانی است. نیمی که در سیاهی شوم خرافه و تفکر بی سر و ته بدوی مرگ نافرجام را در بستر زندگی، ناچار به آغوش می کشند و بی آنکه بدانند چرا، زندگی نداشته را بدرد می گویند. این واقعه تلخ آنچنان مکرر و زنجیروار داستان زندگی سرشار از قهارت و بی حقوقی آنان را در نیمه راه مشقت و بی پناهی به پایان جانگناه می کشاند. گویی جامعه ی تک بعدی امروز بجای هر پیشرفتی با تمام شتاب سقوط به این گودال را به جان خریده است و این چیزی نیست جز صحنه گذاشتن بر توحش و بربریت.

سالانه در هر جای دنیا و مخصوصا در کشورهایی که توحش مردسالاری و ناموس پرستی هنوز پنجه های شومش را فراگیرتر از دیگر نقاط بر زندگی اجتماعی انسان ها گسترانیده شاهد قتل عمد زنان و دختران جوان از سوی مردان خانواده و فامیل هستیم. به گونه ای که با هر حادثه ای از این دست و از اینگونه، گویی هزاران گام از تمدن حیاتی بشری دور گشته و پا به قرون وسطایی بسیار جاهلانه تر از گذشته می گذاریم.

آمار بالای قتل های ناموسی در جامعه ی عشیره ای و حتی به ظاهر پیشرفته ارقام نگران کننده ایست که توجه مدافعان حقوق بشر را به خود جلب کرده است و آنان را به اندیشیدن به راهکارهای مناسب در پایان بخشیدن به این جنایت سیستماتیک وا داشته است. اما تا رسیدن به راهکارهای مطلوب هیچ تضمینی وجود ندارد که جامعه در حال انفجار کنونی هرچه بیشتر دچار انحطاط و انسان ستیزی نشود.

نکته بارز اینکه قتل های ناموسی را چیزی جز نتیجه ی دخالت بی حد و مرز فرهنگ عقب مانده سنتی به حریم خصوصی انسان ها و عامل بزرگ ناامنی و جنایت در جامعه نمی دانیم. بر ماسه تا با تمامی قوا و با فراخواندن تمامی اندیشه های بشر دوستانه و انجام اقدامات فراگیر و اصولی خط بطلانی بر نسل کشی و زن ستیزی بکشیم. چرا که بیشتر از این نباید کابوس های شبانه ی دختران معصومی که مرگ را بجای زندگی از دستان جاهل مردان و جامعه به سیاهی هدیه گرفتند تحمل کنیم.

کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران بعنوان یک نهاد مدنی مدافع حقوق کامل انسان ها ارتقاء سطح تفکر و عقلانیت جامعه را یک راهکار قوی در کوتاه کردن دست فرهنگ مسموم مردسالاری و سنت پرستی می داند و با تمام قوا به جنگ خرافه و جهل گام می نهد تا بشریت به آنچه که حق جاودانش می باشد دست یابد.

با ما باشید تا ساختن فردایی از جنس طلوع و انسانیت، عاطفه و برابری، صلح و امنیت

کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران

۳۰ آگوست ۲۰۰۸ - ۹ شهریور ۱۳۸۷

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۸. لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیرآمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابل گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمگشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۹. آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۱۰. تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمحض کسب قدرت این حقوق را به عنوان قوانین رسمی کشور اعلام خواهد کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

رهائی زن همین امروز!

تجربه های زنانه ستم، سرکوب، تجاوز

به امید حمایت او بخواهم حرکت کنم.

کیوان: آیا نمیتوانستی بر علیه آن اشخاص به جایی شکایت کنی؟

آزاده: شکایت به چه کسی میکردم؟ اگر به دادگاه میرفتم از دامن این گرگ به دام گرگ بزرگتری می افتادم. جسارت شکایت هم نداشتم چون تهدید میشدم. اگر به جایی اطلاع میدادم مرا با یک پرونده ساختگی به زندان می برند. و آنوقت سرنوشت بچه هایم چی میشد.

کیوان: چطور توانستی فرار کنی؟

آزاده: میگویند احتیاج مادر اختراع است! من هم در نهایت استیصال با شخصی صحبت می کردم که آدرسی اینترنتی را در اختیارم قرار داد. و حالا با کمک فکری اعضای حزب اتحاد کمونیست کارگری ایران و فعالین سازمان آزادی زن، اینجا در کنار شما هستم.

کیوان: میخواهی مطلب خاصی به این مصاحبه اضافه کنی؟

آزاده: مطلب بسیار است این گوشه ای از جنایات رژیم اسلامی بر علیه زنان و کودکان است. به محض اینکه فرصت مناسب بدست بیارم تمام آنها و عوامل این جنایات را افشاگری خواهم کرد!



ماجرای سالها آزار جنسی دختر ۹ ساله

دختر ۹ ساله ای که سخت ترین لحظات زندگی اش را در کنار پدر هوسران و دوستانش گذرانده و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود، سرانجام با اقدام مادر نجات یافت. دختر آسیب دیده به رغم گذشت چندین ماه از کودک آزاری شدید، همچنان از سوی مددکاران انجمن حمایت از حقوق کودکان تحت مشاوره قرار دارد.

سرنوشت تلخ يك زندگي مادر دختری که سالها مورد تجاوز جنسی پدر و دوستان او قرار گرفته بود، ماجرای سرنوشت تلخی را که به خاطر اشتباه در انتخاب همسر، گریبان گیر فرزندش شد را تشریح کرد. معصومه شوهری انتخاب کرده بود که دچار ناراحتی های مختلف اخلاقی، جنسی و اجتماعی بود. شب یکی از روزهای زمستان بود، وقتی معصومه به خانه بازگشت فاطمه دخترش را دید که به شدت وحشت زده بود و ماجرای سکسی پدر را برای مادرش بازگو کرد. همان شب یعقوب از معصومه خواست تا با یکی از دوستانش بخوابد.

معصومه دیگر به تنگ آمد، از رفتارهای غیرعادی، کتک های وحشیانه، غریزه جنسی بی حد و مرز و سقوط اخلاقی خسته شده بود. اما وقتی اعتراض کرد یعقوب او را تهدید به مرگ کرد و گفت اگر تن به این کار ندهی تو را می کشم و جسدت را مثله می کنم! چاره ای جز تقاضای طلاق نداشت. برای جدا شدن از یعقوب تلاش زیادی کرد. چند ماه سردرگم بود تا اینکه با حمایت اعضای خانواده اش توانست طلاق بگیرد. غافل از اینکه طلاق از این طریق، جایی برای حضانت دخترش باقی نگذاشت و فاطمه خردسال با سرنوشت مبهمی که انتظارش را می کشید با پدر تنها شد و پدر او را به مکان نامعلومی برد.

۶ سال گذشت. جست و جو برای پیدا کردن فاطمه که تا آن موقع ۹ ساله شده بود، همچنان ادامه داشت. يك روز زنی با معصومه تماس گرفت و به او اطلاع داد دخترش رفت و آمدهای مشکوکی به خانه های مجردي دارد. معصومه به آدرسی که گرفته بود رفت و دختر خردسالش را پیدا کرد. اما فاطمه با ۶ سال قبل بسیار متفاوت شده بود. جا افتاده شده بود، بزرگ کرده با ظاهری

نامناسب به این طرف و آن طرف می رفت. مادر با دیدن این حالت مضطرب شد. به سرعت برای انتقالش اقدام کرد، تا قبل از رسیدن یعقوب دخترک را از آن خانواده گرفت. اما وضعیت فاطمه وخیمتر از آن بود که از سوی مادرش مورد مراقبت قرار گیرد. او برای مادرش از ماجراهایی چند سال گذشته گفت. مادر متوجه شد که در این مدت دخترش مورد تجاوز جنسی فراوانی از سوی پدر و دوستان پدرش قرار گرفته است. او دچار عفونت های شدیدی شده بود.

از طریق یکی از خانواده هایی که برای نظافت به خانه اش می رفت متوجه فعالیت انجمن حمایت از حقوق کودکان شد، به همین خاطر به آنجا رفت و با تشریح موضوع به مددکاران، درخواست کمک کرد.

معصومه و دخترش فاطمه هم اکنون تحت مراقبت انجمن حمایت از حقوق کودکان هستند.

شرح مفصل این واقعه اسفبار را در سایت زیر مطالعه کنید.

<http://8emarch.blogfa.com/post-926.aspx>

دختر جوانی توسط مامورین بسیج از طبقه ششم یک ساختمان ۱۰ طبقه در تهران به پائین پرتاب شد

دختر جوانی که در يك مهمانی شبانه شرکت کرده بود بر اثر اقدام دو مامور بسیج از طبقه ششم ساختمان ۱۰ طبقه ای در شمال تهران سقوط کرد. این در حالی بود که مهمانی کاملاً خصوصی بوده و این دو مامور طبق معمول بدون مجوز قضایی وارد ساختمان شده بودند. هویت این دو مامور هنوز افشا نشده است. اما بعد از چند روز ماموران حکومتی به قتل زن جوان اذعان کردند خبرگزاری حکومتی فارس وابسته به سپاه پاسداران به قتل سبعانه زن جوانی که توسط ماموران حکومتی از طبقه ششم ساختمانی در تهران به پایین پرتاب شده بود، اذعان کرد.

نقل به تلخیص از سایتهای خبری ایران ۱۳۸۷/۵/۳۱

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی، azarmajedi@yahoo.com

سردبیر پروین کابلی، parvinkaboli@yahoo.se، Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، esmail_owji@yahoo.com

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!